

تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن

سیدحسین علیانسیب*

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مطالعه خاستگاه تصویر ذهنی از خدا انجام شده است. بدین منظور ۳۴۲ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و طلبه‌های حوزه علمیه قم به روش نمونه‌برداری احتمالی تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و به پرسش‌نامه تصویر ذهنی از خدا پاسخ داده‌اند. داده‌هایی که از طریق پرسش‌نامه تصویر ذهنی از خدا به دست آمده و داده‌هایی، از جمله جنسیت، سن، تحصیلات (حوزوی یا دانشگاهی)، نوع رابطه با والدین و دیگر اعضای خانواده که بر حسب اظهارات خود آزمودنی به دست آمده است، با شاخص‌های آماری تحلیل شده‌اند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تصویر ذهنی از خدا با عوامل یاد شده، همبستگی دارد و کیفیت این همبستگی، نشانه چند وجهی بودن تصویر ذهنی از خدا و خاستگاه آن است، زیرا همبستگی تصویر ذهنی از خدا با همه عوامل به یک شکل نبوده، بلکه به تناسب خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی متغیر بوده است، به این دلیل که برخی از این عوامل در حالی که با یکی از خرده‌مقیاس‌های تصویر ذهنی همبستگی مثبت معنادار داشته با خرده‌مقیاس‌های دیگر، رابطه منفی یا غیر معنادار نشان داده است.

کلید واژه‌ها: تصویر ذهنی از خدا، روابط موضوعی، تحصیلات، سن، جنسیت.

مقدمه

تصویر ذهنی از خدا امر مهمی در تحول و شکل‌گیری باورهای مذهبی افراد تلقی می‌شود، از این رو در پنج دهه گذشته، بیشتر درباره آن مطالعه و بررسی صورت گرفته است. تصویر ذهنی از خدا یکی از محوری‌ترین جنبه‌های نظام اعتقادی افراد مؤمن را تشکیل می‌دهد و با اینکه به آگاهی نیاز دارد، اما به‌طور ضمنی و غیر مستقیم از طریق تجربیات مذهبی افراد شکل گرفته و به صورت احساس معنوی از خدا در می‌آید. این تصویر به سبب اهمیتی که از لحاظ دینی و روان‌شناختی دارد، توجه نظریه‌پردازان روابط موضوعی و روان‌شناسان دین را جلب کرده است. این موضوع از آن جهت قابل بحث و بررسی است که معرفت و شناخت خدا همراه با داشتن تصور درست از او شرط اساسی و یکی از پایه‌های مهم شکل‌گیری رابطه با خداوند است و شناخت و چگونگی تصور ما از خداوند به شدت در رفتار و تعامل ما با خدا تأثیر می‌گذارد. به عقیده ریان^۱ افرادی که تصور منفی از خداوند دارند نمی‌توانند با او رابطه‌ای عاطفی و صمیمی برقرار کنند و حتی اگر اهل عبادت هم باشند عبادتشان ناشی از ترس و اضطراب است، نه از روی رابطه و اعتماد به خداوند که اساس دلبستگی به خداست.^۲

ریشه و خاستگاه تصویر ذهنی از خدا همواره مورد توجه روان‌شناسان دین بوده است، اما رویکرد غالب در این زمینه، توسط فروید در کتاب *آینده یک پندار*^۳ مطرح شده است. فروید، تصویر خدا را فرافکن تصویر پدر معرفی کرده و در این زمینه، تفاوتی بین دو جنس قائل نشده است. علاوه بر این، وی در خصوص تأثیر عوامل دیگر، مانند «خود» و مادر در تصاویر ذهنی از خدا به نتیجه نرسیده است.^۴

فرضیه فروید درباره خاستگاه تصویر ذهنی از خدا و یافته‌های متفاوت درباره آن، انگیزه پژوهشگران مکاتب گوناگون را برای پرداختن به این مباحث بیشتر کرد. همچنین این سؤال را ایجاد کرد که آیا ضرورتاً تصاویر خدا باید مردانه و پدرانه باشند یا زنانه و مادرانه؟^۵ و آیا تأثیر روان‌شناختی خداوند پدرانه است یا مادرانه؟

چندین پژوهش در این راستا انجام شده که نتایج برخی از آنها حاکی از این است که بر خلاف مفهوم «پدر عالی رتبه»^۶ فروید، تصاویر ذهنی از خدا بیشتر با تصاویر مادرانه ارتباط مثبت دارند. این پژوهش‌ها با این گرایش که تصویر خدا بیشتر بایستی شباهت به مادر داشته باشد تا پدر، انجام گرفته‌اند. این گرایش توسط پاول ووگل^۷ (۱۹۳۶م) مورد

توجه قرار گرفته، وی روش‌های مکتب دورپات^۸ را در یک بررسی فشرده از ۹ کودک ۵-۱۴ ساله پروتستان به کار گرفته و نتیجه گرفت که نخستین شکل دین بر روابط پیش کلامی مادر - کودک مبتنی است. همچنین ووگل از یادداشت‌های خانوادگی در مورد گفت‌وگوهای خاص و تظاهرات خودانگیخته دو نفر از کم سن و سال‌ترین کودکان نتیجه گرفت که مفهوم مادر و خدا برای سال‌ها ارتباطی نزدیک با یکدیگر داشته‌اند و تنها به تدریج از همدیگر جدا شده‌اند.^۹ گودین^{۱۰} و هالز (۱۹۶۴م) و نلسون و جونز (۱۹۵۷م) نیز به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم خدا به‌طور متوسط با مفهوم مادر به مراتب بیشتر از مفهوم پدر همبستگی دارد.^{۱۱} آنتوین ورگوت^{۱۲} و تامایو^{۱۳} (۱۹۸۰م) نیز در پژوهشی پی برده‌اند که تصویر آزمودنی‌های آنها از خدا، از دو عامل اساسی تشکیل شده است:

۱. عامل در دسترس بودن که مربوط به مادر است؛

۲. عامل قانون و قدرت که به پدر اختصاص دارد.^{۱۴}

در تمام گروه‌های فرهنگی، عامل در دسترس بودن توانسته است درصد بالایی از تغییرات را توجیه کند. بنابراین، باز ثابت شده است که تصویر خدا با انگاره مادر، بیشتر از انگاره پدر شباهت دارد.^{۱۵} نکته جالب در این مطالعات این است که گرایش به نسبت دادن ویژگی‌های ابتدایی مادری به خداوند، حتی در گروهی از دانشجویان دینی کاتولیک و راهبه‌ها نیز نمایان بوده است. نلسون سعی کرده تناقض ظاهری میان این پژوهش‌ها را با ارجاع به نظریه آدلر برطرف کند که معتقد است انگاره خدا بیشتر با تصویر والد برتر^{۱۶} هماهنگی دارد نه پدر یا مادر.^{۱۷}

رجوع به نظریه آدلر علاوه بر اینکه تعارض ظاهری میان این پژوهش‌ها را برطرف می‌کند، در مقایسه با تفسیر محدود فرویدی سازگاری بیشتری نیز با فرایند دلبستگی دارد، همچنان‌که می‌تواند در پیش‌بینی سبک دلبستگی به خدا نیز کمک کند؛ یعنی اگر والد برتر چهره دلبستگی نخستین را ارائه دهد در این صورت، تصویر همان والد است که بایستی منعکس کننده تصویر ذهنی فرد از خدا باشد. بنابراین، چون در اغلب فرهنگ‌ها مادر نخستین چهره دلبستگی محسوب می‌شود، انتظار می‌رود تصویر ذهنی از خداوند به‌طور میانگین، چهره‌ای مادرانه نشان دهد تا پدرانه.

تئوری والد برتر آدلر مورد توجه روان‌شناسان دین قرار گرفته، به همین منظور اسپیلکا، ادیسون و راسنسون (۱۹۷۵م) در پژوهشی که درباره منشأ تصویر ذهنی از خدا انجام

داده‌اند نتیجه گرفته‌اند که اگر چه زنانی که تمایل داشته‌اند شبیه مادرانشان باشند، تصاویر ذهنی دوست دارنده را در مورد خدا تداعی می‌کنند و مفهوم فراگیر، مثل پدر، درباره تصویر ذهنی از خدا هماهنگی ضعیفی داشته است، ولی ترجیح یکی از والدین نمی‌تواند ارتباط معناداری با تصویر ذهنی از خدا داشته باشد.^{۱۸} محسوس‌ترین نتیجه‌ای که از این پژوهش و امثال آن گرفته می‌شود این است که تصویر ذهنی از خدا مجموعه‌ای است مرکب از تصاویر قالبی^{۱۹} مادرانه و تصاویر قالبی پدرانه.^{۲۰}

با وجود امتیازاتی که نظریه آدلر دارد، اما نظریه روان‌شناسان روابط موضوعی منطقی‌تر به نظر می‌رسد. ریزوتو تأکید می‌کند در زیربنای انگاره‌های خداوند، انگاره‌های شخصی و به شدت غیرمتعارف وجود داشته که در روابط موضوعی اولیه افراد ریشه دارند. ریزوتو خاطرنشان می‌کند که تصویر خدا پیامد عمومی و اجتناب ناپذیر روابط کودک با والدین و سایر مراقبان و نیز پیامد توجه فزاینده کودک به رویدادهای علی است. از نظر ریزوتو، فروید به درستی منشأ تصویر ذهنی خدا را در روابط اولیه کودک با پدر و مادر جست‌وجو کرده، اما فروید پیچیدگی این اشتقاق، خصوصاً نقش مادر را دست کم گرفته است. از بیست بیمار مسیحی و یهودی که ریزوتو از طریق پرسش‌نامه، مصاحبه و ترسیم خانواده و خدا روی آنها مطالعه کرده است، هیچ کدام انگاره خدا را بر اساس تصاویر یکی از والدین شکل نداده‌اند، بلکه تصاویر خدا به یک اندازه از تصاویر والدین واقعی، والدین آرمانی و والدین برخاسته از تخیلات شخصی آزمودنی مشتق شده است. اگرچه ریزوتو اهمیت خاص دوره اودیپی را که از نظر فروید نقش محوری دارد، می‌پذیرد، اما او همچنان تصاویری را از خدا گزارش می‌کند که به مراحل مختلف تحول تعلق دارد. از نظر وی تصویرسازی از خدا توسط یک فرد با عوامل هیجانی مسلط در زمان شکل‌گیری آن مشخص می‌شود، در حالی که انگاره بعدی شخص از خدا می‌تواند کاملاً متفاوت باشد و تعارض اضطراب‌آوری به وجود آورد.^{۲۱}

علاوه بر تحلیل فرویدی و آدلری درباره خاستگاه تصویر ذهنی از خدا، نظریه یادگیری^{۲۲} اجتماعی بندورا نیز اقتضا می‌کند که تصویر ذهنی از خدا فرافکنی شده الگوی والد مقتدر^{۲۳} و غالب از نظر کودک باشد. بر اساس این نظریه، ممکن است ترجیح یکی از والدین با والدی که کودک از او الگوبرداری کرده است ارتباط داشته باشد و با توجه به

فشارهای اجتماعی و فرهنگی که الگوبرداری از والد همجنس را تحمیل می‌کنند، مردان باید همبستگی چشمگیر میان تصاویر خدا و پدر را نشان دهند، در حالی که زنان همبستگی مثبت خدا و مادر را نشان می‌دهند.

اسپیلکا و همکاران (۱۹۷۵م) به منظور ارزیابی این فرضیه، دست به پژوهشی زده و نتیجه گرفته‌اند که الگوی پدر دوست دارنده در میان مردان با خدای دوست دارنده، همخوانی دارد، همچنان‌که در میان دختران جوان، مادر دوست دارنده با تصویر ذهنی خداوند از هر نظر شایسته^{۲۴} ارتباط است. هنگامی که آنها مقایسه‌های فوق را با والد غیر همجنس انجام دادند، هیچ کدام از رابطه‌های فوق مشاهده نشد.^{۲۵}

اگر چه نتایج اولیه این پژوهش می‌تواند به عنوان شاهی بر صحت فرضیه یادگیری اجتماعی در نظر گرفته شود، ولی ادعای نظریه حرمت خود^{۲۶} نیز قابل بررسی است که چرا باید تصاویر خدا را همیشه در تصاویر والدین جست‌وجو کنیم؟ در حالی که از لحاظ آماری مشاهده می‌شود که برخی عناصر در ارزش‌گذاری والدینی اخلاص ایجاد می‌کنند. بنابراین، باید الگوهای خود و خدا را ارزیابی کنیم. بر همین اساس، نظریه حرمت خود، معتقد است خودپنداره هر فردی در شکل‌دهی نظر او به جهان و دیگران نقش تعیین کننده‌ای دارد و ادراک فرد از خودش به عنوان دوست دارنده یا کنترل کننده، همبستگی مثبت با همین تصاویر ذهنی از خدا دارد.^{۲۷}

اسپیلکا بیشتر از همه پژوهشگران به این موضوع پرداخته است. وی همراه بنسون^{۲۸} (۱۹۷۳م) در مطالعه‌ای روی ۱۲۸ نفر آزمودنی کاتولیک که سابقه مذهبی تقریباً یکسانی داشته‌اند، نتیجه گرفته‌اند که حرمت خود بالا با تصویر ذهنی پذیرا، دوست دارنده، بخشنده و پدر مهربان از خدا ارتباط مثبت دارد همچنین آنها بیان کرده‌اند که حرمت خود پایین با تصویر ذهنی منفی از خدا رابطه دارد و افرادی که حرمت خود پایین دارند تصویر آنها از خداوند انتقامجو^{۲۹}، کنترل کننده^{۳۰} و پدر عبوس^{۳۱} است. آنها ارتباط منفی حرمت خود بالا و تصاویر ذهنی منفی از خدا را نیز ثابت کرده و ادعا نموده‌اند دستاوردهای آماری دلالت بر این دارد که مهم‌ترین عامل مؤثر بر تصویر ذهنی از خدا میزان حرمت خود فرد است.^{۳۲}

آنها در پژوهش دیگری که هر چهار نظریه را بررسی کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که حرمت خود پایین در برخی از مردان با تصویر خشمگین^{۳۳} از خدا ارتباط دارد و حرمت

خود بالا در میان زنان با تصویر ذهنی دوست دارنده و مهربان از خدا رابطه دارد، همچنان‌که ارزش خود^{۳۴} بالا نیز با تصاویری از خدا که مثبت، صمیمی و شخصی است و به مسائل انسان‌ها رسیدگی می‌کند، ارتباط دارد. در این تحقیق، همبستگی میان دوست داشتن خود و تصویر ذهنی دوست دارنده از خدا نشان داده شده است. تصویر خود کنترل‌کننده^{۳۵} در میان مردان، متضاد تصویر ذهنی دوست دارنده از خدا است، در حالی که تصویر ذهنی کنترل‌کننده درباره خدا در میان زنان هیچ ارتباطی به این ندارد که شخص خود را دوست داشتنی بداند یا نه. همچنین ارتباط منفی حرمت خود بالا با تصویر ذهنی خشمگین از خدا نیز ثابت شده است.^{۳۶}

نتایج نهایی به دست آمده از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که هیچ کدام از این نظریه‌ها بر دیگری برتری ندارد و اگرچه بیشتر پژوهش‌های مربوط به این تئوری‌ها به‌طور مستقل انجام گرفته‌اند، ولی خود این تئوری‌ها کاملاً به هم وابسته‌اند برای مثال، پدر در فرضیه فروید می‌تواند والد برتر در فرضیه آدلر و همچنین الگو برای کودکان پسر در نظریه یادگیری اجتماعی باشد و ارتباط مستقیم والدین بر شکل‌گیری خودپنداره مثبت در کودکان نیز بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست.

مرور مباحث تصویر ذهنی از خدا نشان می‌دهد که روان‌شناسان بزرگ به رابطه روان‌شناسی و مفاهیم دینی توجه کرده‌اند، علاوه بر این، نظر منفی پیشین در مورد نقش دین بر سلامت روان، در حال جایگزین شدن با نگرش‌های مثبت‌تر است و تحقیقات بسیاری رابطه مثبت دین‌داری با سلامت جسمی و بهداشت روانی را تأیید می‌کنند.^{۳۷} تصویر ذهنی از خدا هم که یک بعد مهم دین‌داری به شمار می‌آید، مؤلفه مهمی در سلامت روان افراد دانسته شده است. ریزوتو در کتاب *تولد خدای زنده* مواردی را برشمرده است که بیماران او دچار مشکلاتی در زندگی عادی، اعتقادات و زندگی مذهبی خود بوده‌اند. این افراد بنا به دلایلی تصویر مخربی از خداوند داشته، زیرا والدین آنها انسان‌های درستی نبوده‌اند.^{۳۸} با وجود اهمیت فراوانی که این موضوع دارد تاکنون در ایران مطالعه قابل توجهی در این زمینه انجام نشده است. آیا یافته‌های پژوهش‌های روان‌شناسان خارجی در کشور ما هم قابل تعمیم است؟ آیا میزان صمیمیت در رابطه با والدین، جنسیت، سن و تحصیلات با تصویر ذهنی از خدا ارتباط دارند؟ پژوهش حاضر این موارد را بررسی و مطالعه کرده است.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی است و جامعه آماری آن را دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم و طلبه‌های حوزه علمیه قم تشکیل داده است. گروه نمونه پژوهش ۱۹۰ دانشجو و ۱۵۲ طلبه است که با استفاده از روش نمونه برداری احتمالی تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده‌اند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای سنجش تصویر ذهنی از خدا از مقیاس تصویر ذهنی از خدا که آن را لارنس در سال (۱۹۹۱م) ساخته، استفاده شده است.^{۳۹} این مقیاس مشتمل بر ۷۲ پرسش و ۶ خرده مقیاس می‌باشد. هر خرده مقیاس از ۱۲ سؤال تشکیل شده است و برای سنجش ۶ بعد از تصویر ذهنی از خدا با عناوین نفوذ (اجابت)، فراهم کننده (منعم)،^{۴۰} حاضر، چالشگر،^{۴۱} پذیرنده^{۴۲} و خیرخواه به کار می‌رود و هر کدام از خرده مقیاس‌ها نیز جداگانه نمره‌گذاری شده است. این مقیاس بر اساس مقیاس ۴ درجه‌ای لیکرت نمره‌گذاری شده است. عدد ۴ نشانه موافقت کامل و عدد ۱ نشان‌دهنده مخالفت کامل می‌باشد.

سن، جنسیت و تحصیلات در پرسش‌نامه خواسته شده است، کیفیت ارتباط با والدین و دیگر اعضای خانواده نیز با اظهار نظر خود آزمودنی‌ها سنجیده می‌شود که در سه سطح صمیمی، متوسط و ضعیف قابل پاسخ‌گویی بوده است.

روش اجرا

پرسش‌نامه به صورت فردی و گروهی قابل اجراست و محدودیت زمانی هم ندارد. پس از جمع‌آوری داده‌ها، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS، آزمون‌های آماری تی تست و آنالیز واریانس انجام گرفته است.

یافته‌های پژوهش

جدول ۱: مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا در گروه‌های سنی مختلف

آزمون f	گروه سنی							نوع تصویر ذهنی از خدا
	۴۶-۵۰	۴۱-۴۵	۳۶-۴۰	۳۱-۳۵	۲۶-۳۰	۲۱-۲۵	۱۶-۲۰	
ns۱/۵۸۲	۲/۳۳۳	۲/۳۹۶	۲/۱۶۶۷	۲/۲۵۷	۲/۳۸۱۸	۲/۳۹۵۶	۲/۴۱۴۹	نفوذ
ns۶۳۷	۳/۴۱۷	۲/۹۳۷۵	۲/۸۱۹۳	۲/۸۶۸	۲/۸۶۵۲	۲/۸۸۶۹	۲/۸۷۷۶	منعم
ns۱/۷۹	۲/۵	۲/۶۶۶۸	۲/۵۲۷۷	۲/۵۰۳۴	۲/۵۲۴۳	۲/۶۱۷۴	۲/۶۳۲۶	حضور
ns۱/۲۸	۳/۳۳۳	۳/۰۲۰۸	۲/۷۵	۳/۰۱۷۴	۲/۹۵۹۱	۲/۹۴۷	۲/۹۱۹۲	چالشگر
۲/۷***	۲/۵۸۳	۲/۳۹۵۸	۲/۳۳۳۳	۲/۵	۲/۳۸۳۳	۲/۵۴۶۶	۲/۵۵۸۷	پذیرنده
ns۴۴۳	۲/۶۶۷	۲/۶۰۴۳	۲/۳۸۹	۲/۵۳۴۷	۲/۵۳۳۴	۲/۵۴۴۴	۲/۵۷۳۱	خیرخواه

مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا در گروه‌های سنی مختلف نشان می‌دهد که در خرده‌مقیاس‌های نفوذ، منعم، چالشگر، حضور و خیرخواه اختلاف معناداری بین گروه‌های سنی وجود ندارد، ولی در خرده‌مقیاس پذیرنده، اختلاف معناداری بین گروه‌های سنی وجود دارد.

جدول ۲: مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا در زنان و مردان

آزمون t	مونت	مذکر		تفاوت معنادار
ns-۰/۰۸	۲/۳۹	۲/۳۸	نفوذ	
ns-۰/۰۴۹	۲/۸۹	۲/۸۷	منعم	
۳/۰۳**	۲/۶۵	۲/۵۶	حاضر	
ns۰/۰۳	۲/۹۴	۲/۹۴	چالشگر	
-۳/۹۰**	۲/۵۹	۲/۴۶	پذیرنده	
ns۱/۷**	۲/۵۸	۲/۵۲	خیرخواه	

مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا در زنان و مردان نشان می‌دهد که در خرده مقیاس‌های نفوذ، منعم و چالشگر، اختلاف معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد، ولی در خرده مقیاس‌های حضور، پذیرنده و خیرخواه، این اختلاف معنادار است. به عبارت دیگر، در مقیاس‌های حضور، پذیرنده و خیرخواه میانگین زنان به‌طور معناداری بیشتر از مردان است.

جدول (۳) مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس تفکیک تحصیلات

آزمون t	دانشجو	طلبه		تفاوت معنادار
-۳/۹۷**	۲/۴۴	۲/۳۲	نفوذ	
-۲/۲۳**	۲/۹۱	۲/۸۴	منعم	
-۴/۳**	۲/۶۵	۲/۵۳	حاضر	
ns ۰/۴۳	۲/۹۴	۲/۹۵	چالشگر	
-۶/۱**	۲/۶	۲/۴	پذیرنده	
-۰/۵**	۲/۶۲	۲/۴۶	خیرخواه	

مقایسه خرده‌مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس تفکیک تحصیلات نشان می‌دهد که فقط در تصویر ذهنی نوع چالشگر، اختلاف معناداری بین طلبه‌ها و دانشجویان وجود ندارد و در سایر خرده‌مقیاس‌ها (نفوذ، منعم، حضور، پذیرنده و خیرخواه) اختلاف معناداری دیده می‌شود، به‌طوری‌که میانگین این تصاویر ذهنی در کلیه موارد در دانشجویان بیشتر از طلبه‌ها است.

جدول ۴: مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس نوع رابطه با والدین

آزمون f	نوع رابطه				
	ضعیف	متوسط	صمیمی		
ns ۰/۱۸۶	۲/۳۶۱	۲/۳۹۹	۲/۳۷۹	نفوذ	تصویر ذهنی از خدا
۴/۱۸۶**	۲/۶۹۴	۲/۸۲۶	۲/۹۱۱	منعم	
ns ۰/۰۰۷	۲/۵۹۷	۲/۵۹۵	۲/۵۹۹	حضور	
ns ۱/۲۵	۲/۷۹۲	۲/۹۲۸	۲/۹۵۶	چالشگر	
ns ۰/۳۳۸	۲/۵۵۶	۲/۴۹۵	۲/۵۲۳	پذیرنده	
ns ۰/۱۷۱	۲/۶۱۱	۲/۵۵۵	۲/۵۵۴	خیر خواه	

مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس نوع رابطه با والدین نشان می‌دهد که فقط در تصویر ذهنی نوع منعم اختلاف معناداری در افراد با رابطه‌های مختلف با والدین وجود دارد، اما در سایر خرده مقیاس‌ها (نفوذ، حضور، پذیرنده، خیر خواه و چالشگر) اختلاف معناداری دیده نمی‌شود.

جدول ۵: مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس نوع رابطه با دیگر اعضای خانواده

آزمون f	نوع رابطه				
	ضعیف	متوسط	صمیمی		
ns ۰/۳۳۷	۲/۳۷۵	۲/۴۰۶	۲/۳۷۷	نفوذ	تصویر ذهنی از خدا
ns ۲/۹۰۷	۲/۶۸۷	۲/۸۴۵	۲/۹۰۱	منعم	
ns ۰/۱۹۲	۲/۶۴۶	۲/۶۰۴	۲/۵۹۳	حضور	
ns ۱/۵۴۹	۲/۷۸۱	۲/۹۳۵	۲/۹۵۴	چالشگر	
ns ۰/۱۹۱	۲/۵۴۲	۲/۴۹۹	۲/۵۲۱	پذیرنده	
ns ۰/۰۸۵	۲/۵۹۴	۲/۵۴۷	۲/۵۴۸	خیر خواه	

مقایسه خرده مقیاس‌های تصویر ذهنی از خدا بر اساس نوع رابطه با دیگر اعضای خانواده نشان می‌دهد که فقط در تصویر ذهنی نوع منعم اختلاف معناداری بین افراد با رابطه‌های مختلف با اعضای خانواده وجود دارد، اما در سایر خرده مقیاس‌ها (نفوذ، حضور، پذیرنده، خیر خواه و چالشگر) اختلاف معناداری وجود ندارد.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داده است که میان تصویر ذهنی از خداوند و گروه‌های سنی، همبستگی وجود دارد. این نتیجه با ادعای جانسون نیز که سن ۱۵/۲ را سن میانگین تغییر در باورهای دینی معرفی می‌کند و به همین منظور پنج پژوهش مهم را نیز گزارش می‌کند،

مطابقت می‌کند. همچنین با ادعایی که بزرگ‌سالی را یک دوره تحول غیر معمولی و پرشور می‌داند که بسیاری از تجارب زمینه‌ساز تغییر در باورهای مذهبی، همچون ویژگی‌های دوران بلوغ و احساس نیاز به معنا، هدف، احساس هویت و خودپنداره را شامل می‌شود، مطابق است. در این راستا کرک پاتریک (۲۰۰۵م) نیز پنج پژوهش مهم را گزارش می‌کند که سن ۱۵/۲ را سن میانگین تغییر در باورهای دینی معرفی می‌کند، زیرا سن یاد شده، یک دوره تحول غیر معمولی و پرشور است که بسیاری از تجارب زمینه‌ساز تغییر در باورهای مذهبی، همچون ویژگی‌های دوران بلوغ، احساس نیاز به معنا، هدف، احساس هویت و خودپنداره را شامل می‌شود. آرگیل نیز سن ۱۴ و ۱۵ تا ۲۰ سالگی را دوره تعیین کننده‌ای برای تحول اعتقادات مذهبی می‌داند که این تحول می‌تواند به سمت منفی و از دست دادن باورها و سست شدن آنها یا به سمت مثبت باشد، و همین امر باعث می‌شود که مبلغان فرقه‌های مذهبی، نوجوانان و جوانان را اهداف نخستین خود برای دعوت‌های مذهبی قرار دهند.^{۴۳} همین مطلب در تعالیم اسلامی، مخصوصاً احادیث و سیره رسول اکرم ﷺ وائمه معصومین علیهم‌السلام مشاهده می‌شود و پیشوایان دینی ما نیز بر این نکته روان‌شناسی تأکید کرده و در امر تبلیغ دین به جایگاه جوانان و نوجوانان اهمیت خاصی داده‌اند.^{۴۴}

تعالیم اسلامی، دوران جوانی را با عنوان‌هایی، مثل طهارت باطن و شتاب در تمام کارهای خیر معرفی می‌کنند که ناشی از فطرت پاک و خداجویی آنهاست،^{۴۵} اما در برخی روایات به آفت‌های جوانی ناشی از تنش‌های روانی هم اشاره شده تا اندازه‌ای که در روایتی از رسول خدا ﷺ از جوانی به جنون هم تعبیر شده است: «الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الْجُنُونِ»^{۴۶}، تنش‌ها و فشارهای روانی و روحی شدید که مقتضای سن جوان است ثبات فکری و عقیدتی را از او می‌گیرد، و فطرت جویای حقیقت و دین‌گرای او، راه رسیدن به آرامش را در دین و تعالیم ماورایی نشان می‌دهد. از این‌رو، روان‌شناسان، علاقمندی به دین را از جمله ویژگی‌های دوران جوانی و نوجوانی می‌دانند.

همچنین این مطالعه نشان می‌دهد که در خرده‌مقیاس‌های تصاویر نفوذ، منعم و چالشگر از خدا اختلاف معناداری بین زنان و مردان وجود ندارد، ولی میانگین سه نوع تصویر ذهنی حضور، پذیرنده و خیرخواه به‌طور معناداری در زنان بیشتر از مردان است. چنین نتیجه‌ای علاوه بر اینکه وجود تفاوت تصویر ذهنی از خدا در زنان و مردان را تأیید می‌کند با نتایج تحقیقات ذیل که اجمالاً بر رابطه جنسیت با تصویر ذهنی از خدا تأکید می‌کنند، مطابقت دارد.

چودورو نشان داده است که دختران، تشابهات بیشتری بین تصویر ذهنی خدا و والدین ادراک می‌کنند و این مسئله ممکن است به سبب ارتباط زیادتر دختران با والدینشان باشد. همچنین وی نشان داده است که پسر بچه‌ها بیشتر از دختر بچه‌ها خدا و پدر خود را قدرتمند می‌دانند.^{۴۷} لد، مک ایتناش و اسپیلکا نیز گفته‌اند که مردگرایانه بودن تصاویر خدا برای دختران بیشتر از پسران است.^{۴۸} کرج سی^{۴۹} نیز با تحقیق روی دانشجویان نتیجه گرفته است که تصویر کنترل‌کننده بودن برای خدا در مردان چشمگیرتر از زنان است. وی به برخی تفاوت‌های جنسیتی دیگر نیز پی برده است.^{۵۰} همچنین در مطالعه دیس کی و همکارانش نیز تفاوت‌های جنسیتی بیشتری مشاهده شده است.^{۵۱} در حالی که هر دو پژوهش به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر اهمیت و تأثیر والدین بر تصویر ذهنی کودکان از خداوند تأکید داشته‌اند، نتایج پژوهش دیس کی حاکی از این است که تصویر ذهنی خدا در دختران بیشتر از پسران به صفات والدین و سبک‌های تربیتی آنان وابسته است.

نتیجه دیگری که از این پژوهش حاصل شده این است که در تصویر ذهنی نوع چالشگر بین طلبه‌ها و دانشجویان، اختلاف معناداری وجود ندارد، اما میانگین تصاویر ذهنی نفوذ، منعم، حضور، پذیرنده و خیرخواه در دانشجویان بیشتر از طلبه‌ها است. این نتیجه نشان می‌دهد که تصویر ذهنی نه‌تنها تحت تأثیر تجربیات مذهبی افراد قرار دارد، بلکه پا به پای ادراک مفهومی از خداوند نیز رشد می‌کند و ادراک مفهومی خدا بر خلاف تصویر ذهنی یک سازه آشکار است که در آموزه‌های دینی ریشه دارد و توسط محافل مذهبی آموزش داده می‌شود. حال با توجه به آموزش‌های مکرر طلبه‌ها درباره عقاید اسلامی و مباحث اعتقادی و کلامی که به‌طور تخصصی در کلاس‌های حوزه مطرح می‌شود، پیش‌بینی می‌شود که تصویر ذهنی افرادی که ارتباط و آشنایی بیشتری با محافل و متون مذهبی دارند، متفاوت باشد که نتیجه به دست آمده این مطلب را تأیید می‌کند.^{۵۲} همچنین نشان داده شده است که بین میانگین خرده‌مقیاس‌های نفوذ، حضور، پذیرنده، خیرخواه و چالشگر در سه نوع رابطه گزارش داده شده با والدین و دیگر اعضای خانواده، اختلاف معناداری وجود ندارد. البته کیفیت رابطه با والدین و دیگر اعضای خانواده با تصویر ذهنی نوع منعم، ارتباط مستقیم دارد؛ یعنی هر چه کیفیت رابطه با والدین و اعضای خانواده بهتر باشد افراد خداوند را بیشتر منعم و فراهم‌کننده می‌دانند. این نتیجه می‌تواند

در راستای نظریه آناماری ریزوتو باشد که تأکید می‌کند در زیربنای انگاره‌های خداوند، انگاره‌های شخصی و به شدت غیرمتعارف وجود دارند که در روابط موضوعی اولیه افراد ریشه دارند. وی معتقد است که تصویر خدا پیامد عمومی و اجتناب ناپذیر روابط کودک با والدین و سایر مراقبان و نیز پیامد توجه فزاینده کودک به رویدادهای علی و معلولی است. البته شایان ذکر است که در این پژوهش، نظریه ریزوتو، منطقی‌ترین نظریه ارزیابی شد که تصویر ذهنی از خدا را محصول عامل واحدی نمی‌داند، بلکه مجموعه‌ای از عوامل را، که از جمله آنها روابط موضوعی اولیه می‌باشد در شکل‌گیری تصویر ذهنی از خدا مؤثر می‌داند.

در پایان باید توجه شود که نتایج به دست آمده از این پژوهش بر مبنای سنجش با مقیاس‌های روان‌شناختی است و پرداختن به موضوعات مذهبی و استفاده از منابع دینی در مباحث نظری و نتیجه‌گیری علاوه بر اینکه می‌تواند افق جدیدی فراروی روان‌شناسی قرار داده و بحث را به واقع بینی نزدیک‌تر کند، گویای این واقعیت است که خالق انسان به حال او آگاه‌تر است و طبعاً برنامه‌ای برای زندگی مادی و معنوی و روان‌شناسی او ارائه داده است که قابل قیاس با هیچ یک از برنامه‌های معرفی شده نیست. مطالعه، بررسی و استخراج این برنامه‌ها و دستور العمل‌ها چنین واقعیتی را بر همگان آشکار می‌کند که اسلام مکتب روان‌شناسی‌ای دارد که بالاتر از همه مکاتب است. امید است که با تلاش متفکران علوم دینی و روان‌شناسی برای بومی‌سازی این علم، گامی بلند در راستای خدمت به علوم رفتاری و درمان‌های روان‌شناختی برداشته شود.

1. Ryan, R. J.
۲. محمدصادق شجاعی، توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود، ص ۸۰.
3. The future of illusion.
4. A. E. Kazdin, *Encyclopedia of Psychology*, p 503.
5. Mathrenal
6. Exalrenal father
7. Paul vogel.
8. Dorpatschool.
9. D. M. Wulff, *Psychology of Religion*, p 365.
10. Godin.
11. D. M. Wulff, Op.cit.
12. Vergot, A.
13. Tamayo, A.
14. A. Vergote & A. Tamayo, *The Parental Figures and the Representation of God*, p 112.
15. D. M. Wulff. *Psychology of Religion*, p365.
16. Preferred Parent
17. B. Spilka et al, "Parent - self and Gad: A test of competing theories of Individual - Religion Relation ship", *Review of Religious Research*, v 16(3), p 156.
18. Ibid, p 167.
19. Maternal Sterotopical Qualities
20. Paternal Sterotopical Qualities
21. Rizzuto, The Birth Of Living God
22. Social learning theory
23. Dominant parent
24. Omni competent
25. B. Spilka et al, "Parent - self and Gad: A test of competing theories of Individual - Religion Relation ship", *Review of Religious Research*, v 16(3), p 162.
26. Self Steem
27. D. M. Wulff., Op.sit., p 384.
28. Benson, P.
29. Vindictive
30. Controlling
31. Stern Father
32. P. Benson & B. Speillka, *God Image as a Function of self - Esteem and Locus of Control*, p 308.
33. Wrath Full
34. Self Valuation
35. Self Controlling
36. B. Spilka et al., "Parent - self and Gad: A test of competing theories of Individual - Religion Relation ship", *Review of Religious Research*, v 16(3), p 164.
۳۷. مسعود آذربایجانی، روان شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز، ص ۲۴۲.
38. A. M. Rizzuto, *The Birth Of Living God*, p 49.
39. R. Lawrence, *Measuring the Image of God*, p 223.
40. Providence.
41. Challenging.
42. Acceptance.
43. L. A. Kirk Patrick, *Attachment, Evolution, and the Psychology of Religion*, p 153.
۴۴. عبدالواحد آمدی، غررال حکم و دررال کلم، ترجمه و تحقیق رسول محلاتی، ج ۶، ص ۴۴۵.
۴۵. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، باب الشباب
۴۶. همان
47. J. T. Chirban et al., *Assessing Religious and Spiritual Concerns in Psychology in Plante.Faite and Health*, p 269.
48. B. Spilka et al., *The Psychology of Religion*, p 89.
49. Krej, C.
- 50 B. Spilka et al., *The Psychology of Religion*, p 87.
51. L. A. Kirk Patrick, *Attachment, Evolution, and the Psychology of Religion*, p 108.

۵۲. البته توضیح این نکته لازم است که بالا بودن میزان شاخص های سنجش تصویر ذهنی از خدا دلیل بر واقعی بودن و منطقی بودن آن هم نمی باشد و پژوهش هایی لازم است که این نکته را بررسی کنند که چه عواملی می توانند زمینه‌ساز ایجاد تصاویر ذهنی منطقی و صحیح افراد از خدا باشند.

منابع

- آذربایجانی، مسعود، *روان‌شناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷.
- آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه و تحقیق رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۲.
- اسکندری، حسین، *خدا به تصور کودکان، شکل‌گیری فهم دینی در کودکان*، تهران، منادی تربیت، ۱۳۸۲.
- شجاعی، محمدصادق، *توکل به خدا راهی به سوی حرمت خود*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۳.
- محمدی ری‌شهری، محمد، *میزان الحکمه*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲.
- مصباح یزدی، محمدتقی، *خدا شناسی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶.
- ویلیام، جیمز، *دین و روان*، ترجمه مهدی قائینی، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
- Benson, P. Speilka, B. God Image as a function of self - Esteem and locus of control. *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 12(3), 1973, p 297-310.
- Chirban, J. T. et al., *Assessing Religious and Spiritual Concerns in Psychology in Plante, Faite and Health(Psychological Perspectives)*, New York and London, the Guilford press, 2001.
- Corsini, R. J., *The Dictionary of Psychology*, Phladelphia.Brunner/Mazel, 1999.
- Chopra, D., *How to Know God: The Souls Journey in to the Mystery of Masteries*, New York, Harmony books, 2000.
- Dickie, T. R. et al., "Parent - child Relation ship and children's Images of God", *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 39(1), 1997, p 25-43.
- Gorsuch, R. L., "The conceptualization of God as seen in adjective ratings", *Journal for the Scientific Study of Religion*, v 7(1), 1968, p 56-64.
- Kazdin, A. E., *Encyclopedia of Pschology*, Oxford university press, 2000.
- Kirk Patrick, L. A., *Attachment, Evolution, and the Psychology of Religion*, New York, London, the Guilford Press, 2005
- Lawrence, R., "Measuring the image of God: The God Image Inventory and the God Image Scales", *Journal of Psychology and Theology*, v 25(2), 1997, p 214-226.
- Rizzuto, A. M., *The Birth Of the Living God: A Psychoanalytic Study*, Chicago, IL;University of Chicago press, 1979.
- Spilka, B. et al., "Parent - self and Gad: A test of competing theories of Individual - Religion Relation ship", *Review of Religious Research*, v16(3), 1975, p 154-165.
- _____, et al., *The Psychology of Religion*, London, The Guilford Press, 2002.
- _____, Reynolds, J. F., "Religion and prejudice: A factor - Analytic Study", *Review OF Religious Research*, v 6(3), 1965, p 475-484.
- _____, et al., The concept of God.A factor - Analytic Approach, *Review of Religious Research*, v6(1), 1964, p 28-36.
- Vergote, A., TAmayo, A., *The Parental Figures and the Representation of God: A Psychological and Cross Cultural Study*, New York, Mouton, 1980.
- Wulff D. M., *Psychology of Religion*, New York, John Wiley & Sons, Inc, 1997.